

# گره کور بودجه و کلاف سردرگم اقتصاد آموزش و پرورش



وقتي از بودجه آموزش و پرورش سخن مي‌رانيم بايد آن را ذيل اقتصاد آموزش و پرورش مورد بررسي قرار دهيم چراکه وابستگي و پيوستگي اين دو به گونه‌اي است که در صورت يك‌جانبه و يك بعدي نگريستن به آن، تصوير ناقصي ارائه خواهد شد.

با اين فرض بايد گفت مشکلات بودجه‌اي آموزش و پرورش با افزايش بودجه سالانه در لايحه بودجه دولت حل نخواهد شد و فقط اين افزايش يك مسکن موقتي خواهد بود، لذا براي حل مشکلات بودجه‌اي بايد مسير را تغيير داد و از جاي ديگر و به روشهاي ديگري به دنبال حل ريشه‌اي مشکل منابع مالي آموزش و پرورش بود.

از سوي ديگر پر واضح است که اقتصاد آموزش و پرورش نیز در ذيل اقتصاد کشور قابل بررسي است به اين معنا که سياست‌هاي اقتصادي در سطح کلان، مستقيم يا غيرمستقيم تاثير خود را بر اقتصاد آموزش و پرورش مي‌گذارد به ويژه اينکه وقتي در يك اقتصاد دولتي و تک محصولي وابسته به درآمد نفت بخواهيم براي اقتصاد آموزش و پرورش چاره‌جويي کنيم همه راه‌ها به يك نقطه ختم ميشود و آن نقطه درآمدهاي دولت و مهم‌ترين بخش درآمدي آن يعني فروش نفت است.

به عبارتي همان‌گونه که اقتصاد ما نفتي است آموزش و پرورش ما نیز نفتي شده است هر چند سهم نظام آموزشي از بودجه عمومي قابل توجه است اما متأسفانه اين سهم از توليد ناخالص ملي در مقايسه با کشورهای ديگر حتي کشورهای در حال توسعه اغلب کمتر است و اين بدان معناست که آموزش و پرورش در نظام مديريتي ما تا اطلاع ثانوي در اولويت قرار ندارد.

اگر بخواهیم در يك چشم‌انداز دراز مدت گره کور بودجه آموزش و پرورش را بگشاییم و سرخ کلاف پیچیده اقتصاد این نهاد را بیابیم بی‌تردید باید مسیر غیر دولتی شدن نظام آموزشی و جلب مشارکتهای مردمی را انتخاب کنیم چرا که خدمات آموزشی همچون دیگر کالاهای خدماتی باید در فضای رقابتی مسیر کیفی خود را در پیش گیرد و دولت نقش حمایتی و تسهیل‌کننده را داشته باشد و در بخشهایی که مردم توان مشارکت ندارند یا امکان جلب مشارکت آنان وجود ندارد با توجه ویژه و برنامه‌ریزی دقیق و جامع امکان تحقق عدالت آموزشی و ارتقای کیفی ارائه خدمات را فراهم سازد.

در غیر این صورت حتی با دو برابر شدن بودجه آموزش و پرورش، این ساختار اداری و سازمانی و این سبک و شیوه مدیریتی راه به جایی نخواهد برد، شاید بتوان با افزایش حقوق معلمان رضایت آنها را جلب کرد و انگیزه آنان را قدری افزایش داد و شاید بتوان با افزایش بودجه غیر پرسنلی قدری کیفیت فیزیکی مدارس را ارتقا داد اما آنچه نظام آموزشی ما به آن نیازمند است محتوا و شیوه‌های آموزشی است که نیازمند راهکارهای فرا بودجه‌ای و فرا اقتصادی است؛ راهکارهایی که شاید با اتخاذ آنها زمینه رقابت مثبت و مشارکت فعال فراهم شود.

اما اکنون که در آستانه ارائه بودجه سال ۹۵ به مجلس قرار داریم و برنامه ششم در حال تدوین است منطقی است که منتظر راهکارهای دراز مدت و گره‌گشای ریشه‌ای و اساسی نمانیم و از دولت و مجلس بخواهیم در قالب بودجه و برنامه ششم احکامی را که تضمین‌کننده ارتقای نسبی وضعیت بودجه و اقتصاد آموزش و پرورش است بگنجانند، طبیعی است با توجه به شرایط دولت متاثر از توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، در صورت بهبود اقتصادی و افزایش درآمدهای دولت، انتظار جامعه فرهنگی از دولت تدبیر و امید توجه ویژه به آموزش و پرورش است.

هر چند در نگاه نخست انتظار می‌رود افزایش بودجه آموزش و پرورش منجر به افزایش حقوق و دستمزد معلمان شود اما باید توجه داشت که این افزایش در واقع نزدیک کردن سطح حقوق و دریافتی‌های معلمان در قالب لایحه مدیریت خدمات کشوری خواهد بود و به معنای افزایش نخواهد بود بلکه رساندن به سطح قانونی و برقراری عدالت در پرداخت است به عبارتی پاسخ به یکی از مطالبات دیرینه معیشتی معلمان است.

محمد داوری